

زمان ورود الکساندر کبیر به آنجا در سال ۳۳۴ قبل از میلاد برمی‌گردد، مرجع کاملی به حساب می‌آید. جالب‌تر از آن اطلاعاتش در مورد تولد جاده ابریشم در سال ۱۳۸ قبل از میلاد می‌باشد هنگامی که «یک ژنرال چینی به نام چانگ چیان^۱ تصمیم گرفت از بارگاه امپراتوریش در چانگ‌یان^۲ در مأموریتی برای خرید اسب خارج شود». در مورد ورود اسلام و ظهور «مغولهای بزرگ»^۳ در صحنه آسیای مرکزی نیز به‌طور مناسبی بحث شده است. آخرین مطلب کتاب که کم‌اهمیت‌تر از بقیه مطالب نیست را موضوعاتی در مورد ظهور و سقوط کمونیسم در وطن امام شامیل و «امام بخاری»^۴ تشکیل می‌دهد. به‌طور خلاصه کتاب آسیای مرکزی راهنمای کامل و حاوی اطلاعات مفید در مورد منطقه‌ای است که خیلی سریع در حال جلب توجه جهان به خود می‌باشد.

ترجمه فاطمه سلطانی‌یکتا

روسیه و آذربایجان

Tadeusz Swietochowski, *Russia and Azerbaijan: A Borderland in Transition*,
New York: Columbia University Press, 1995, 290 p.

آذربایجان سرزمینی است که در گذشته مرزی میان اروپا و آسیا، اسلام و مسیحیت، روسیه و خاورمیانه، مسلمانان شیعه و سنی بوده است. کتاب روسیه و آذربایجان زندگی مردمی را که در این سرزمین تقسیم شده سکونت دارند، بررسی می‌کند. تسلط اروپایی‌ها بر این منطقه مرزی خاورمیانه موجب تقسیم این سرزمین به دو نیمه شده است. این تحقیق، دو قرن گذشته از تاریخ آذربایجانی‌ها را مورد بحث قرار می‌دهد که با حمله روسها به قسمت شمالی این کشور در اوایل قرن نوزدهم آغاز می‌شود و تا استقلال جمهوری آذربایجان پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در دهه ۱۹۹۰ ادامه دارد. گرچه این نوشتار؛ تاریخ آذربایجانی‌ها را در دو طرف مرز ایران و روسیه مورد بحث قرار می‌دهد؛ اما تاریخ جامع هر دو طرف نیست. در واقع تاریخ دو آذربایجان در طی این دوره مورد بررسی قرار نگرفته است. بررسی این کتاب بر موانع مشترک (دو آذربایجان)، تقسیم نیروها بین دو قسمت که تأثیری عمیق‌تر از غلبه خارجی داشته است و بر قیدوبندهای جدیدی که بعد از تقسیم این منطقه گسترش یافتند متمرکز است.

این کتاب تاریخ دیپلماسی منطقه‌ای نیست. در واقع، کوشش بر این است که بررسی این جنبه در تحقیق به حداقل کاهش یابد و بجای آن بر ارزیابی هویت مردم آذربایجان در دو طرف مرز متمرکز باشد.

1. Chang Chi'ien

2. Chang'an

3. Great Mongols

4. Imam Bukhari

آذربایجان در مقایسه با کشورهای همسایه و دیگر مناطق خاورمیانه به میزان قابل ملاحظه‌ای توجه کمتری به تاریخ نگاری جلب نموده است. فقط در سالهای اخیر به عنوان آذربایجان شوروی سابق ظهور پیدا کرد و اخبار مطالب مربوط به آن اضافه شد و تعداد نوشته‌ها نیز در این زمینه افزایش یافت. به بیان نویسنده تاکنون تاریخ دو آذربایجان در یک رساله مورد بررسی قرار نگرفته است.

مطالب این کتاب، ادامه بعضی از مقالات و کار قبلی نویسنده در مورد سیاست و تاریخ آذربایجان است. منابع اولیه این کتاب از بایگانی دولتی جمهوری آذربایجان به دست آمده است. همچنین از اداره بایگانی عمومی بریتانیای کبیر، بایگانی‌های ملی ایالات متحده و بایگانی‌های وزارت امور خارجه لهستان استفاده شده است.

نویسنده معتقد است یکی از سخت‌ترین مسائلی که در نوشتن کتاب با آن مواجه شده است نامهای اشخاص و مکانها بوده است. تغییر نامها تغییرات سیاسی را مشخص می‌نماید. با سلطه هر یک از امپراتوری‌ها بر آذربایجان نامها از آذری به ترکی یا از آذری به فارسی یا از آذری به روسی تغییر یافته‌اند. چارچوب این نوشتار با توجه به تناوب تاریخی وقایع مرتب شده است. این قسمتها شامل دوره‌هایی از تغییر آرام و پس از آن زمانهایی از تغییرات بزرگ و باشتاب است.

فصل اول، بر قرن دگرگونی اقتصادی و اداری تدریجی متمرکز است که به دنبال تسلط روسیه بر سرزمینهای شمال رودخانه ارس و رشد نفوذ روسیه در مرزهای شمالی ایران حاصل شده است. در این فصل، قرارداد ترکمانچای، مستعمره یا ایالت بودن آذربایجان و مسئله نفت و باکو مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

فصل دوم، به تغییرات عقلانی که از برخورد با اروپا به‌طور عمده از طریق روسیه به دست آمده است، توجه می‌کند. رشد طبقه روشنفکر و احیای ادبیات آذری، پان اسلامیسیم و ترکیسم: پاسخی به چالش غرب و تطابق ایدئولوژیک: لیبرالیسم و سوسیالیسم آذری از جمله مباحث این فصل هستند.

فصل سوم، در مورد دوره کوتاهی از انقلاب در دو سوی مرز و جنگ جهانی اول بحث می‌کند. خشونت قومی و بسیج سیاسی، آذربایجان و انقلاب مشروطه در ایران، انقلاب بسفورها و ترکهای روسیه، رشد حزب مساوات، سیاستهای زبان ادبی: بذرهای آینده، جنگ جهانی اول و آذربایجان، احزاب و برنامه‌ها در ۱۹۱۷ و فدراسیون ماورای قفقاز و بخش باکو مطالبی هستند که در این فصل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

دولت - ملت و خودمختاری منطقه‌ای عنوان فصل چهارم است. بحث در زمینه اعلام استقلال آذربایجان روسیه به مدت دو سال و خودمختاری آذربایجان ایران برای چندماه در این فصل مطرح می‌شود. استقلال آذربایجان در سایه عثمانی، حضور بریتانیا، دیپلماسی و روابط ویژه، کمونیستهای بومی و شفق استقلال، واقعه ۱۹۲۰ تبریز و نبرد آذربایجان از جمله مباحث این فصل هستند.

تأسیس حکومت اتحاد جماهیر شوروی بر بخشی از آذربایجان و سلسله پهلوی بر دیگر قسمت‌های آذربایجان شکاف بین دو قسمت را تقویت می‌کرد. استقلال آذربایجان شوروی و توافقنامه‌های سرزمینی، از سکولاریسم بومی تا الحاد شوروی، مرکزگرایی پهلوی و آذربایجان ایران، تصفیه بزرگ، ناسیونالیسم و فدرالیسم در تبعید مباحث فصل پنجم را تشکیل می‌دهند.

اشغال شوروی و خودمختاری آذربایجان شوروی عنوان فصل ششم است. در جنگ جهانی دوم اتحاد جماهیر شوروی مناطق شمالی ایران را اشغال نمود و رژیم خودمختار در تبریز تحت اشغال شوروی رشد نمود. مباحث این فصل عبارت از: جنگ جهانی دوم و آذربایجان ایران، حزب دموکرات آذربایجان و به دست گرفتن قدرت، خودمختاری و تجربیات ملت‌سازی، آذربایجان در جهان اخبار، رژیم خودمختار در مواجهه با نارضایتی مردمی و خاتمه رژیم خودمختار است.

فصل هفتم، به دوره طولانی ادامه سقوط رژیم خودمختار در تبریز تا سقوط شاه اختصاص دارد. در این زمان ایران و اتحاد جماهیر شوروی به شدت کوشش کردند تا دو قسمت آذربایجان را مجزا نمایند از این رویه سیاست شبیه‌سازی قوی متوسل شدند. در طی این دوره سقوط، امپراتوری‌ها قادر نبودند نیروهای تغییردهنده جامعه تحت حکومتشان را کنترل کنند. سیاستهای شبیه‌سازی شمال و جنوب مرز، انقلاب سفید در ایران و بحران استعمار شمال ارس، دوره به قدرت رسیدن علی‌اف، در قلمرو انقلاب (امام) خمینی (ره) و تبریز از جمله مباحث این فصل هستند.

فصل هشتم، با عنوان استعمارزدایی و بحرانهای آن به بررسی اختلاف سرزمینی و بیداری مجدد سیاسی، جبهه مردمی جمهوری آذربایجان: جستجو برای یافتن یک جانشین، روزهای ژانویه باکو، انتخاب ۱۹۹۰: نومانکلانورا بر علیه روشنفکران، سیاستهای غیرواقعی و اعلام استقلال می‌پردازد. در این دوره آرزوهای ملی در آذربایجان شوروی احیا شده و این کشور بتدریج از طریق تجدید ارتباط با ترکیه و ایران به خاورمیانه باز می‌گردد.

سخن آخر، شامل حکومت جبهه مردمی پس از کمونیسم می‌شود. با کودتای تابستان ۱۹۹۳ که رهبر حزب کمونیست سابق جمهوری را به قدرت باز می‌گرداند، آغاز می‌شود و مدت یک سال پس از آن را بررسی می‌کند.

در پایان، نویسنده بخشی را به نتیجه‌گیری اختصاص می‌دهد و اظهار می‌دارد که هرآنچه در آینده پیش بیاید شایسته است آذری‌ها در برخوردشان با جهان خارج میراث قدیمی‌شان مصالحه و اعتدال را راهنمای خود قرار دهند. میراثی که در واقعیت‌های جغرافیایی و تاریخی کشورشان ریشه دارد. واقعیت‌هایی از سرزمینی که مرز اصلی بین قاره‌ها، مذاهب و گروه‌های قومی مختلف بوده است. در چنین وضعیتی ایجاد یک سرزمین حاصلخیز ضمانت بقای جامعه می‌باشد.

پس از جدایی قسمتهایی از آذربایجان از ایران هریک از دو قسمت در بافت دولتهای گوناگون به عنوان ایران، روسیه و اتحاد جماهیر شوروی جذب شده‌اند، آنها مشابه هم نیستند از این رو اهمیتی ندارد که چه تاریخ مشترکی دارند و در زبان، مذهب، تجارت و مهاجرت با هم سهیم هستند. اما به دلایل زیر همگرایی آذربایجان ایران با مرکز بیشتر است؛ زیرا منطقه جنوب آذربایجان ایران از تاریخ ایران جدانشدنی است. تبریز همگرایی نزدیکتر و بی‌نظیری با ایران دارد که با رابطه باکو و روسیه غیرقابل مقایسه است. از این رو جایی برای رفتار متفاوت دو آذربایجان در یک ساختار دولتی مخصوص وجود ندارد. آرزوها و نهضتهای ملی آذری در قسمت تحت حکومت روسها شکل گرفته در حالی که قسمت دیگر علائق یا نگرانی‌های ویژه‌ای همراه ایران اظهار می‌کند.

زیبا فرزین نیا